

آموزشی | پژوهشی | خبری | تحلیلی

دنا ۱۱۸۵

فصلنامه داخلی  
شماره ۳۳ | بهار ۱۴۰۰



انجمن علمی دانشجویی  
مرکز آموزش علمی کاربردی  
فرهنگ و هنر واحد ۱۱ تهران



مرکز آموزش علمی  
کاربردی فرهنگ و هنر  
واحد ۱۱ تهران

## فصلنامه داخلی

آموزشی | پژوهشی | خبری | تحلیلی

شماره ۳۳ | بهار ۱۴۰۰



انجمن علمی دانشجویی  
مرکز آموزش علمی کاربردی  
فرهنگ و هنر واحد ۱۱ تهران



مرکز آموزش علمی  
کاربردی فرهنگ و هنر  
واحد ۱۱ تهران

سخن سردبیر

تاریخچه سینمای ایران

معرفی فیلم

پوستر

معرفی رشته فیلمسازی

معرفی رشته کارشناسی سینما

برگزاری جشنواره هنر نمایشی و بازیگری  
در مرکز

بیوگرافی زنده یاد جمشید مشایخی

فصلنامه داخلی نگاه ۱۱

بهار ۱۴۰۰

شماره مجوز انتشار نشریه ۹۷/۱۰/۰۹/۱۳۵  
زمینه فعالیت: انجمن علمی دانشجویی گارگردانی

سردبیر: جعفر نجفی

مدیر مسئول: آرش سپاس مقدم

مدیر هنری و طراح گرافیک: مهسا قادری

اعضا تحریریه: محمود هنرمند، فرشاد یحیایی، غلامرضا  
اقاباری، رضا بطحایی

همکاران تحریریه: حمید قاسم زادگان، داریوش نصیری

نشانی: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی کوچه  
رشتچی ساختمان شماره ۱۲، ۱۰، ۸

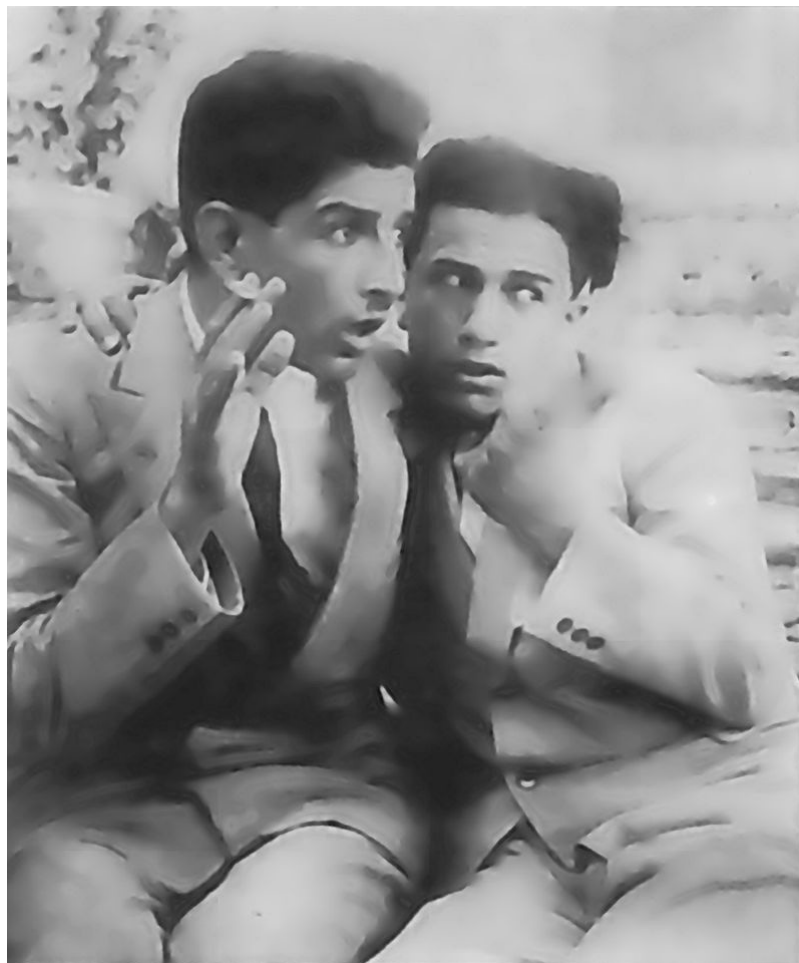
شماره تماس:  
۶۶۴۳۶۰۹۶

www.uastfll.ac.ir

# سخن سردییر

اولین ارتعاش‌های نوری که به صورت موازی به سمت دیدگان پرتاب می‌شوند در کنارش بسامدهای صوتی‌ای که گوشمان را با یک ملودی یا دیالوگی به سمت خود جلب کرده تا حواس چندگانه ما با رابطه‌ی دیالکتیکی میان بودن و نبودن ابژه‌ی بصری و ساحت وجودینمان در سالن، به نبرد تن به تن با پرده رود و شعاع‌های نوری که در فضا پخش می‌شود را ببیند و همه چیز را جذب قدرت حس و ذهن کند این جادوی پدیده‌ای به نام سینماست. یک سحر افسارگسیخته‌ی شیطانی خدایی که برایمان توامان می‌آفریند و می‌میراند. تقابل ما هر چه باشد، در برابر این خالق بصری، همچون بنده‌ای بی‌اختیار است که بر روی صندلی می‌نشیند و رو به این گوی سحرآمیز جادوپیشه می‌کند. ما در مقابل سینما در همان ثانیه‌ی اول بی‌سلاحیم. چون او با اسلحه‌ی قدرتمندش که سحر مسخ‌کننده‌ی زئوس وار است تمام انگیزته‌های حسی و انگاره‌های انتزاعی ذهنمان را به سلاخی حقیقت می‌برد. سینما، این موجود چموش و گردن‌کش برایمان همیشه مولود بازی‌های مختلف است. بازی زندگی و سرنوشت و بازی تاریخ و مرگ. اما این خدایگان ساطع‌کننده‌ی نور و ایماژ، همچون زئوس، دست برنوردی دارد که تمام عصیان‌ها و فروکش‌های روح را مورد تهاجم دوزخین و بهشتی خود کرده و برایمان میثاق تفرجگاه رویا را نوید می‌دهد.

# تاریخچه سینمای ایران



سینمای ایران به صنعت سینما، فیلم و پویانمایی در ایران گفته می‌شود. سینمای ایران در چندین دوره، مورد ستایش جهان خارج بوده و دستاوردهایی نیز داشته‌است.

پیش از انقلاب ۱۳۵۷، افزون بر حضورهای قابل توجه فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های فیلم جهانی، این کشور خود نیز به میزبانی پراهمیت از رویدادهای بین‌المللی سینما در جهان، تبدیل شده‌بود. جشنواره جهانی فیلم تهران در دهه ۱۳۵۰، مهم‌ترین جشنواره سینمایی در آسیا و تنها جشنواره رده الف از دید فدراسیون بین‌المللی تهیه‌کنندگان در آسیا به‌شمار می‌رفت. پس از انقلاب ۱۳۵۷، حکومت جدید، نخست، فیلم‌سازی را محدود کرد؛ سپس در صورت تبلیغ ارزش‌های اسلامی، به کارگردانان، کمک مالی رساند. در حدود دهه ۱۳۷۰، شوق نخستین انقلابی، با خواسته‌های میانه‌روی سیاسی و روابط بهتر با غرب، جایگزین شد و سینمای این کشور، پیشرفت کرد.

پس از انقلاب شماری از کارگردانان ایرانی که از ایران خارج شدند، به ساخت فیلم در خارج از کشور پرداختند. همچنین شماری از فیلم‌ها که برای سینمای عامه‌پسند ایران به کار برده شد به «فیلمفارسی» مشهور شدند. در دوره جمهوری اسلامی با انحصاری‌شدن سینما در دست دولت ایران و حذف‌شدن بخش خصوصی این کشور، محدودیت‌هایی سنگین به فیلم‌سازان اهل ایران تحمیل گردید. سانسور پس از انقلاب ۱۳۵۷، چالشی جدی برای سینمای ایران شمرده شد. در ایران هر ساله روز ۲۱ شهریور به عنوان روز سینما گرامی داشته می‌شود.

## دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰: گنج قارون و موج نوی سینمای ایران

در دهه ۱۳۴۰، سینمای فارسی‌زبان، یکی از دوره‌های اوج خود را تجربه کرد؛ فیلم‌هایی چون گنج قارون، گاو و قیصر در این دوران نمایش یافتند. بنیان‌گذاری نهادهای که پخش‌کننده فیلم‌های کودکان هم باشد، با عنوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در همین دهه، فرصتی مناسب برای شکل‌گیری سینمای فرهنگی در ایران شد. به شکلی دقیق‌تر، با نمایش گنج قارون در سال ۱۳۴۴، سینمای فیلم‌فارسی اوج خود را تجربه کرد و موجی از فیلم‌های «گنج قارونی» سینماهای ایران را درنوردید. در سال ۱۳۴۸ با پیدایش فیلم‌هایی چون گاو و قیصر تغییری اساسی ایجاد شد؛ جریان تازه‌ای که موج نوی سینمای ایران لقب گرفت. از سویی بنیان‌گذاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۴۸ شانس برای شکل‌گیری سینمای فرهنگی بهتری در ایران شد. همکاری یونسکو با این کانون به عنوان پخش‌کننده فیلم‌های کودکان در ایران که با فرستادن نورالدین زرین‌کلک به بلژیک عملی گردید، اثری مهم بر بالابردن سطح فرهنگی کانون گذاشت. جریان فرهنگی شکل‌گرفته از سوی سینماگران پیش‌رو همراه با ایجاد کانون پرورش فکری و همچنین کاهش استقبال همگانی از عناصر سرگرم‌کننده‌ای مانند خشونت، سکس، جاهل مسلکی در میان جوانان و به ویژه تحصیل‌کردگان کشور عواملی بودند که دست در دست هم، جریان نو و سازنده‌ای را در سینمای ایران طی سال‌های ۵۰ تا ۵۷ به وجود آوردند. سهراب شهید ثالث، بهرام بیضایی، عباس کیارستمی، خسرو سینایی، کامران شیردل، داریوش مهرجویی، ناصر تقوایی، مسعود کیمیایی، علی حاتمی، امیر نادری، فریدون گله، بهمن فرمان‌آرا، خسرو هریتاش، پرویز کیمیای و از کسانی بودند که با بهانه‌های غیرتجاری نقشی درخور در این جریان داشتند و مقدمه‌هایی را ساختند تا سینمای ایران گام‌های مهمی در سال‌های پسین بردارد.

ورود نخستین دوربین فیلم‌برداری (دستگاه سینماتوگراف) در زمان مظفرالدین‌شاه، به سال ۱۲۷۹ هجری خورشیدی، آغازگر تاریخ سینمای ایران است. مظفرالدین شاه در یکی از سفرهایش به فرانسه از دستگاه سینماتوگراف خوشش آمد و به میرزا ابراهیم‌خان صحاف باشی دستور خریداری آن را داد. شاه که مجذوب کارناوال‌ها و جشنواره‌های فرنگی بود دستور داد تا از کارناوال اسنانند فیلم برداشته شود و این نخستین تصویری بود که سینماتوگراف ابتیاع شده ضبط کرد.

نخستین محل پخش فیلم در سال ۱۲۸۳ توسط ابراهیم خان صحاف‌باشی در خیابان چراغ‌گاز افتتاح شد و در آن فیلم‌های کم‌مدی کوتاه نمایش داده شد. [۶] اما نخستین سالن عمومی سینما توسط مهدی‌خان روسی در خیابان علاءالدوله افتتاح شد. او پس از مدتی با اجاره بالاخانه‌ای در خیابان لاله‌زار، سالن سینمای خود را به آنجا برد.

نخستین فیلم ناطق فارسی، فیلم دختر لر است که اردشیر ایرانی آن را در سال ۱۳۱۲ خورشیدی ساخته‌است.

نخستین سالن سینمای ایران را در سال ۱۲۷۹ (تنها ۵ سال پس از آنکه برادران لومیر سینما را اختراع کردند) با نام «سینما سولی» مبلغین مذهبی کاتولیک در شهر تبریز تأسیس کردند. اما این سینما به دلیل عدم دسترسی به فیلم‌های روز، در سال ۱۲۹۵ خورشیدی تعطیل شد.

تا سال ۱۳۰۹ خورشیدی، سینماهای ساخته شده به نمایش فیلم‌های غربی که در مواردی زیرنویس فارسی داشتند، می‌پرداختند. تا اینکه در این سال، اوانس اوگانیانس نخستین فیلم بلند سینمایی ایران را به نام آبی و رابی ساخت.

در دهه ۱۳۲۰ شرکت‌های سینمایی ایرانی پدیدار شدند و سینما میان مردم این کشور، همگانی‌تر شد.

در دهه ۱۳۳۰، پیشرفت سینمای این کشور ادامه یافت و در نمونه‌ای، شهلا ریاحی با ساخت مرجان به نخستین کارگردان زن ایرانی تبدیل شد. در این دهه، پویانمایی وارد ایران شد و نخستین تلاش‌های ساخت پویانمایی ایرانی، در اداره کل فرهنگ و هنرهای زیبای تهران صورت گرفت. نخستین فیلم کوتاه پویانمایی در ایران، توسط اسفندیار احمدیه با عنوان ملانصرالدین در ۱۳۳۶ ساخته شد.

اسماعیل کوشان، ساموئل خاچیکیان، هوشنگ کاووسی، فرخ غفاری فیلم‌سازان مطرح این دوره به‌شمار می‌آیند که از این میان اسماعیل کوشان در تثبیت جریان سینمای تجاری عامه‌پسند ایرانی موسوم به فیلمفارسی نقش عمده‌ای داشت.





## معرفی فیلم

مادر فیلمی به کارگردانی و نویسندگی علی حاتمی ساخته سال ۱۳۶۸ است و در هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر پخش شد.

گزینه اول برای نقش محمدابراهیم عزت‌الله انتظامی بود. انتظامی تا مرحله تست گریم نیز پیش رفت اما این نقش در نهایت به محمدعلی کشاورز رسید. موسیقی فیلم ساخته ارسلان کامکار است که به همراه گروه کامکارها اجرا شد. رقیه چهره آزاد و اکبر عبدی برای بازی در این فیلم به ترتیب سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن جشنواره فیلم فجر و سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم مرد جشنواره فیلم فجر (سال ۱۳۶۸) دریافت کردند. اکرم محمدی، فریماد فرجامی و محمدعلی کشاورز نیز نامزد دریافت جایزه از جشنواره فجر شدند. هنگام درگذشت رقیه چهره آزاد؛ روزنامه‌ها، نقل قولی از نقش غلامرضا (اکبر عبدی) را در فیلم، در تیتراژ خود نوشتند: «مادر مرد. از بس که جان ندارد.»

خلاصه داستان

پیرزنی که در سرای سالمندان زندگی می‌کند به خانه برمی‌گردد تا روزهای پایانی عمرش را در خانه‌اش و کنار فرزندان که هر کدام گوشه‌ای به زندگی خود مشغولند بگذراند. گرمی حضور مادر در خانه، فرزندان را به دور هم مشاغل قابل احراز:

- ساخت فیلم کوتاه و بلند سینمایی
- ساخت فیلم مستند و داستانی
- تدوین و صدا گذاری
- ساخت تیزر تبلیغاتی و انونس های سینمایی

# مادر

علی خاتمی



آشنا با خانواده روحانی و مادر علی خاتمی، نخست‌وزیر سابق ایران

فیلم مادر علی حاتمی ایرانی‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران است. ارزش نهادن به سنت‌هایی مثل جمع شدن خانواده در کنار همدیگر و ترغیب افراد به لذت بردن در کنار خانواده و گذراندن وقت و زندگی با افراد خانواده، مفاهیمی هستند که از دنیای گذشته می‌آیند و نوگرا و به روز نیستند، اما دست کم در فیلم‌های علی حاتمی این مفاهیم، شکلی مکارانه پیدا نمی‌کنند و در پی فریفتن مردم نیستند. مادر فیلمی صمیمی و ساده است که از درونی انسانی بیرون آمده است؛ انسانی که البته تعلقاتی در تاریخ گذشته دارد.

از همان تیتراژ آغازین، فیلم شروع به ایجاد حس در درون تماشاگر می‌کند. هر چه فیلم پیش می‌رود این لحظه‌های ناب حسی، بیش از پیش احساسات نوستالژیک تماشاگر ایرانی را برمی‌انگیزاند. موسیقی پر حس فیلم، دارای روحی بسیار ایرانی است و به راحتی هر کسی که تعلق به ایران داشته باشد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. با وجود این که جریان مسجد گوهرشاد در این فیلم مطرح می‌شود و لزوم آزادی پوشش که امروز جامعه ما به خصوص برای آزادی پوشش زنان به آن نیاز مبرم دارد نیز در آن مطرح می‌شود، اما در نهایت فیلم مادر علی حاتمی بسیار صمیمی‌تر از آن است که سیاسی باشد. فیلم‌های علی حاتمی و به خصوص مادر، احساس راستی و یکرنگی به تماشاگر انتقال می‌دهد و گویا هیچ هدف دیگری جز خود فیلم پشت آن نیست. حتی شخصیت لات و لومپنی که همیشه در فیلم‌های علی حاتمی وجود دارد هم در جهت خواسته حکومت و ترغیب و تشویق لومپنیسم در جامعه ایران نیست، بلکه شکلی بیش از حد واقع‌گرایانه و حتی چالش‌برانگیز دارد.

صداگذاری خوب و دوبله بی‌نظیر فیلم، در کنار تصاویر دوست‌داشتنی و فضای ایرانی فیلم، لحظاتی زیبا می‌سازد و در نتیجه فضایی نوستالژیک و حس‌برانگیز در فیلم به وجود می‌آید. بازیگران فیلم هم در تاریخ سینمای ایران کم نظیر هستند؛ از محمد علی کشاورز که یکی از بهترین بازیگران سینمای ایران است گرفته تا اکبر عبدی که او نیز یکی از تواناترین بازیگران سینمای ایران به حساب می‌آید؛ بگذریم که در سال‌های اخیر نتوانسته است شخصیت و هویت هنرمندان خود را حفظ کند و در هر کار بی‌هویتی بازی کرده است.

فیلم مادر علی حاتمی در جایی که لازم است، به خوبی صحنه‌ها را خلاصه کرده است. برای نمونه، آوردن غلامرضا از تیمارستان، بدون هیچ دیالوگی، با چند نمای بسیار گیرا و حس‌برانگیز به خوبی اجرا شده است. اما حس‌برانگیزترین لحظه فیلم، لحظه آمدن مادر به خانه است. در این صحنه تمام عناصر سینمایی، اعم از نگاه شگفت‌انگیز محمد علی کشاورز، تدوین خوب، تصاویر گیرا، و شکل پرداخت کنش‌ها، از جمله نوع خاص در زدن مادر، همگی دست به دست یکدیگر می‌دهند و به زیبایی در پوسته‌ی موسیقی ناب ایرانی پیچیده می‌شوند و بهترین لحظه فیلم را می‌سازند. لحظه‌ای که صداها بار می‌توان آن را دید و هر بار از آن لذت برد. لذتی که البته خارج از مرزهای این سرزمین، ممکن است چندان معنایی نداشته باشد.

یکی از ایرادات فیلم مادر علی حاتمی کاراکتر جلال است. که البته تاریخ در آن دوره هنوز بازیگر بدی نشده بود، به خوبی نقش آن را ایفا کرده است. ایراد این کاراکتر، تناقضی بزرگ است که در او بعدی ایجاد نمی‌کند و صرفاً کاراکترش را بی‌تکلیف و غیر ملموس جلوه می‌دهد. چرا که تناقض موجود در کاراکتر جلال، تناقضی بنیادین است. او فردی شاعر مسلک است که البته در بانک کار می‌کند و خانه‌اش در یکی از بهترین برج‌های شهر است. مقدار شاعر مسلکی جلال، آن قدر زیاد است که انتظار زندگی درویش مسلکانه‌تری از او در تماشاگر ایجاد می‌شود و اصلاً داد و ستد و روابط پول‌محور موجود در بانک، به هیچ رو با روحیه لطیف او جور در نمی‌آید و هنگامی که این نارضایتی از شغل، در او دیده نمی‌شود، کاراکتر، مقداری باورناپذیر می‌شود. نکته دیگر این است که فیلم مادر علی حاتمی چندان باورپذیر نیست، تعداد خل و چل‌هایی هستند که در یک محله زندگی می‌کنند و غلامرضا از همه آنان سالم‌تر به نظر می‌رسد. البته چون فضای این فیلم چندان به روز نیست و در گذشته‌ای نسبتاً ذهنی روی می‌دهد، می‌توان این ایرادات را نادیده گرفت، اما به هر روی، اینها مواردی هستند که در دنیای رئال و واقعی فیلم به آسانی پذیرفته نمی‌شوند.

محمد علی کشاورز بازیگر فیلم «مادر» در گفت‌وگویی درباره‌ی دلایل ماندگاری فیلم «مادر» گفته بود: «تا به امروز فیلم‌ها و سریال‌های زیادی با موضوع مادر ساخته شده است اما هیچ کدام مانند فیلم «مادر» علی حاتمی ماندگار نشده است، زیرا با توجه به اینکه علی حاتمی مادر خود را ندیده بود و خودش این غم را کشیده بود، می‌دانست که چگونه باید به این موضوع بپردازد. تا به امروز هیچ کارگردانی مانند علی حاتمی ندیدم و فکر نمی‌کنم دیگر در سینمای ایران کارگردانی مانند او بیاید. مرحوم حاتمی از نظر فرهنگ و ادب شاخص بود و فیلم‌هایی که ساخته است، خود گویای این مساله است.»

کشاورز همچنین اظهار کرده بود: «علی حاتمی زود از بین ما رفت اما فیلمی ساخت که در تمام طول تاریخ سینمای ایران ماندگار شد و با ساخت فیلم «مادر» خودش هم ماندگار شد.»

علی حاتمی در این فیلم که در سال ۱۳۶۸ ساخت؛ به روایت مادری پرداخت که از سرای سالمندان به خانه می‌آید تا روزهای پایانی عمرش را در خانه‌اش و کنار فرزندانش بگذراند.

فیلم سینمایی «مادر» در آن مقطع، هنرپیشه‌هایی را در کنار هم قرار داد که هر کدام در سال‌های بعد از هنرمندان طراز اول سینما و تئاتر ایران شدند؛ از اکبر عبدی در نقش غلامرضا که شاید بتوان گفت بعد از آن کمتر توانست چنین نقشی را تکرار کند تا محمدعلی کشاورز که نقش محمدابراهیم را بازی کرد و این روزها در بستر بیماری است.



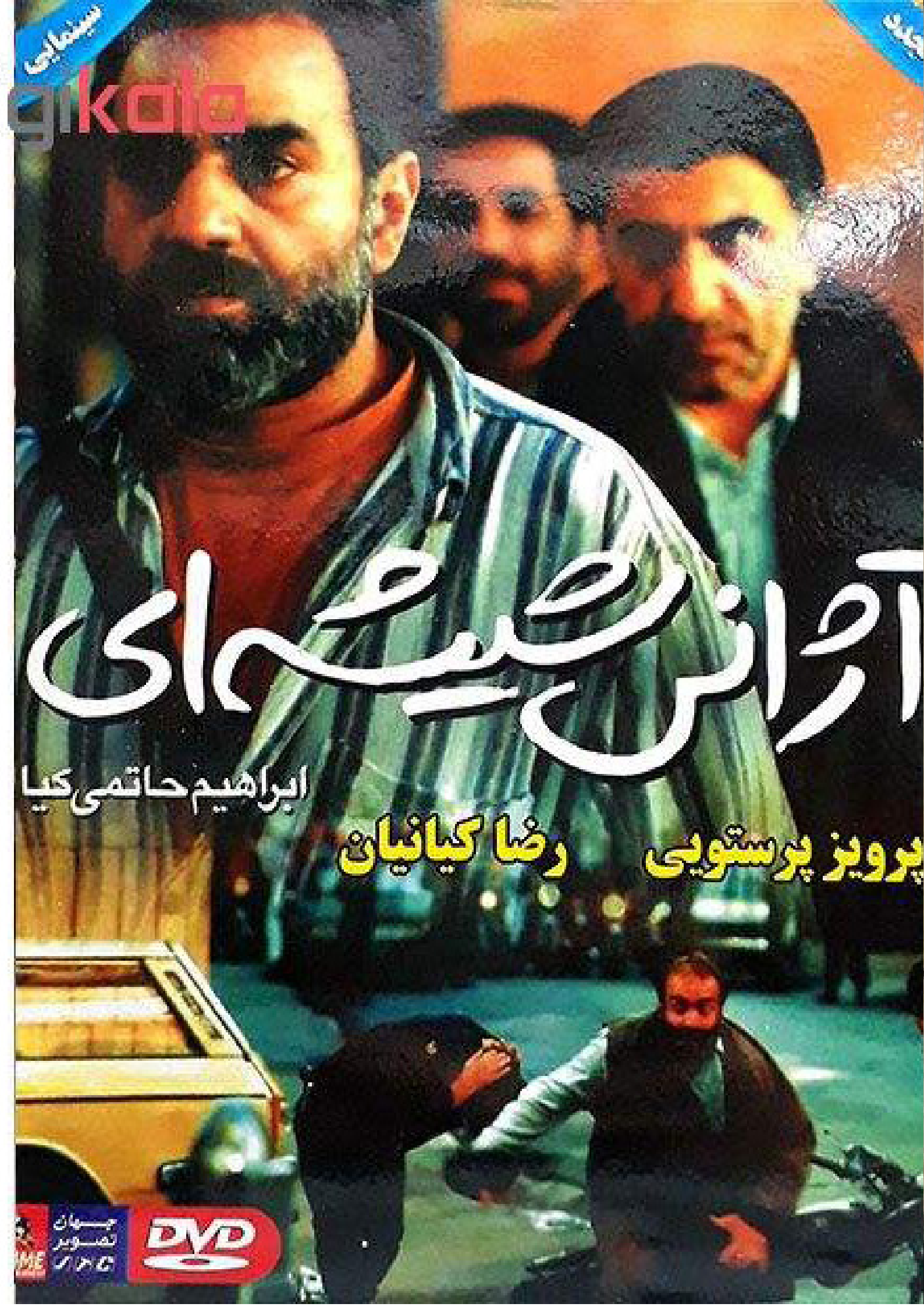


# عملیات کرکوک

یونس واکر محمد - جمال شورجه

فرمانده: جبهه‌های مسلحانی - محرم و زینال زکریا - جعفر و عثمان - کاشف و احمد ندیم - اردلان شجاع کلاهد





نیٹنما بی

جنگ

gikato

# آتریشی سے ہے

ابراہیم حاتمى کیا

رضا کیانیان

پرویز پرستوی

جہان  
تصویر  
۱۶:۹

DVD



# معرفی رشته فیلمسازی در دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد ۱۱

مشاغل قابل احراز :

- ساخت فیلم کوتاه و بلند سینمایی

- ساخت فیلم مستند و داستانی

- تدوین و صدا گذاری

- ساخت تیزر تبلیغاتی و انونس های سینمایی

طول و ساختار دوره :

دوره کاردانی فنی مبتنی بر نظام واحدی و متشکل از مجموعه ای از دروس نظری و مهارتی است و با توجه به قابلیت ها و مهارت های مشترک و حرفه ای به ۲ بخش «آموزش در مرکز مجری» و «آموزش در محیط کار» تقسیم می شود. مجموع واحد های هر دوره بین ۶۸ تا ۷۲ واحد و مجموع ساعات آن ۱۷۵۰ تا ۲۱۰۰ ساعت می باشد که در طول حداقل ۲ و حداکثر ۳ سال قابل اجراست.

فیلمسازی در صنعت سینما ، مجموعه فعالیت هایی است که به عنوان یک تخصص حرفه ای میتواند بسیار مورد توجه قرار گیرد. از این رو تامین نیروی انسانی در سطح فیلمسازی با توجه به توسعه صنعت فیلم در کشور احساس می گردد و در جهت تامین چنین نیازی برنامه های آموزشی رشته فیلمسازی طراحی و تدوین می شود و امید می رود با اجرای این دوره ها نیازهای بخش فیلم به این قبیل هنرمندان بر طرف گردد.

دوره کاردانی حرفه ای فیلمسازی به رشته اطلاق می شود که در آن دانشجویان با یادگیری مجموعه ای از دانش و مهارت های پایه بتوانند آمادگی اجرای وظیفه ساخت فیلم را در صنعت سینما به خوبی انجام دهند.

با توجه به اینکه صنعت فیلم و اهمیت و نقش فیلمسازان در صنعت سینما به عنوان یک نیاز مطرح شده است بنا براین تامین و تربیت متخصصین این حرفه در راستای نیاز های صنعت فیلمسازی اهمیت دارد.

قابلیت ها و مهارت های مشترک فارغ التحصیلان :

الف- گزارش نویسی و مستند سازی

ب- ارائه گزارش نتایج کار و جریان فعالیت ها

پ- انجام کار گروهی

ت- طبقه بندی و پردازش اطلاعات

ث- بهره گیری از رایانه

ج- برقراری ارتباط موثر در محیط کار

چ- سازماندهی و اداره کردن افراد تحت سرپرستی

وآموزش آنها

ح- خودآموزی و یادگیری مستمر در راستای بالندگی

شغلی

خ- ایجاد کسب و کارهای کوچک و کارآفرینی

د- رعایت اخلاق حرفه ای و تنظیم رفتار سازمانی

ر- تفکر نقادانه و اقتضایی

ز- خلاقیت و نوآوری







# معرفی رشته کارشناسی سینما و کارگردانی در دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد ۱۱

دوره کارشناسی حرفه ای کارگردانی یکی از دوره های آموزش عالی است که به منظور آموزش و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز در تولید برنامه های تلویزیونی و سینمایی برنامه ریزی شده است. هدف از برنامه ریزی دوره کارشناسی کارگردانی، پرورش نیروی تفکر خلاقانه دانشجویان بر اساس بینش اسلامی، آگاهی های تخصصی و مهارت های آنها در زمینه کارگردانی برنامه های تلویزیونی و سینمایی (نمایشی و مستند) است.

دوره کارشناسی حرفه ای کارگردانی، یکی از دوره های آموزش عالی است که هدف آن پرورش متخصصین در زمینه کارگردانی تلویزیون و سینما است تا در این زمینه ی خاص فنی و هنری، به نیاز روزافزون جامعه با نگرشی حرفه ای و هنری پاسخگو باشند. فارغ التحصیلان رشته کارگردانی قادر خواهند بود پس از اتمام تحصیلات خود مشغول به کار شده و با توجه به زمینه های تخصصی و مستند در کارگردانی، خدمات مورد نیاز کشور را در زمینه هنرهای نمایشی تامین نمایند.

از آنجا که جامعه هنری به منظور تهیه و پخش برنامه های تلویزیونی و سینمایی خود نیازمند نیروی انسانی متبحر و کارآمد است، ضرورت آموزش این نیروها در چارچوب نیازهای هنرهای نمایشی احساس می شود. با توجه به نیاز اختصاصی در بعضی از مشاغل مرتبط و نبود رشته های تحصیلی تامین کننده این نیازها در مجموعه آموزش عالی کشور، بدیهی است برنامه ریزی رشته کارگردانی و آموزش مهارت های لازم برای کارگردانی برنامه های مستند و گزارشی یا کارگردانی برنامه های نمایشی برای دانشجویان اهمیت می یابد تا فارغ التحصیلان این رشته، با تعهد و احساس مسئولیت به جامعه اسلامی، زمینه های تازه ای در ارتقا کیفیت برنامه های تولیدی از طریق خلاقیت های مورد نیاز، تخصص های مرتبط با کارگردانی فراهم آورند.

با تمام توجهی که دنیای پیشرفته به این امر نشان می دهد و درجه بالایی از هزینه ها را به امر تبلیغات اختصاصی می دهد و در کشورها با وجود نیاز حیاتی به توسعه اقتصادی، این امر ناشناخته و کم اهمیت شمرده می شود.

قابلیت ها و مهارت های مشترک فارغ التحصیلان :

- الف- گزارش نویسی و مستند سازی
  - ب- ارائه گزارش نتایج کار و جریان فعالیت ها
  - پ- انجام کار گروهی
  - ت- طبقه بندی و پردازش اطلاعات
  - ث- بهره گیری از رایانه
  - ج- برقراری ارتباط موثر در محیط کار
  - چ- سازماندهی و اداره کردن افراد تحت سرپرستی و آموزش آنها
  - ح- خودآموزی و یادگیری مستمر در راستای بالندگی شغلی
  - خ- ایجاد کسب و کارهای کوچک و کارآفرینی
  - د- رعایت اخلاق حرفه ای و تنظیم رفتار سازمانی
  - ر- تفکر نقادانه و اقتضایی
  - ز- خلاقیت و نوآوری
- قابلیت ها و توانمندی های حرفه ای فارغ التحصیلان :
- به کارگیری نظام نشانه شناسی تصویری در نمایش تلویزیونی
  - هماهنگ سازی و فضا سازی تولید
  - پژوهش و نگارش در تلویزیون
  - ارزیابی و آموزش و پرورش در زمینه های کارگردانی مشاغل قابل احراز :
  - کارگردان برنامه های تلویزیونی
  - کارگردان برنامه های سینمایی
  - کارگردان برنامه های مستند و گزارش
  - کارگردان برنامه های نمایش استودیویی
- طول و ساختار دوره :
- دوره کارشناسی حرفه ای مبتنی بر نظام واحدی و متشکل از مجموعه ای از دروس نظری و مهارتی است.



# سومین جشنواره هنرهای نمایشی جامع علمی و کاربردی واحد ۱۱



# موسیقی و بازیگری در دانشگاه برگزار شد













## بیوگرافی زنده یاد جمشید مشایخی

جمشید مشایخی (۶ آذر ۱۳۱۳ - ۱۳ فروردین ۱۳۹۸) بازیگر ایرانی بود.

وی برگزیده ششمین دوره همایش چهره‌های ماندگار و دارای نشان درجه یک فرهنگ و هنر بود. [۵] یکی از تماشاخانه‌های تئاتر خاوران تهران به نام اوست. جمشید مشایخی در سال ۱۳۱۳ در تهران متولد شد. او اصالتاً اهل شهرستان تنکابن در استان مازندران بود. وی دارای تحصیلات ناتمام در رشته تئاتر است. وی سال ۱۳۳۶ به استخدام اداره تازه تأسیس هنرهای دراماتیک درآمد و به عنوان بازیگر کار خود را در برنامه نمایشی کانال سوم غیردولتی آغاز کرد، اولین فعالیت هنری وی بازی در تله‌تئاتر «بعد از سی سال» به

کارگردانی علی نصیریان در سال ۱۳۳۹ بوده است و با ایفای نقش در فیلم کوتاه «جلد مار» هژیر داریوش به همراه فخری خوروش جلوی دوربین رفت. او حتی به خاطر بازی سینمایی اش برای مدتی از کار تئاتر اخراج شد در واقع کار حرفه‌ای خود را از سال ۱۳۴۹ به طور رسمی شروع کرد. بازی جمشید مشایخی در نقش انسان‌های بی‌رحم و همچنین نقش‌های تاریخی همچون «شازده احتجاب»، «کمال الملک» و رضا تفنگچی/خوشنویس در سریال «هزار داستان» نشانگر از توانایی بازیگری اوست. او در سال ۱۳۶۳، بابت بازی در دو فیلم گل‌های داوودی و کمال‌الملک، برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد جشنواره فیلم فجر شد. از نمایش‌های مهم او بازی در نقش «بزرگ آقا» در

نمایش میراث کار بهرام بیضایی در تالار ۲۵ شهریور در آذر ماه ۱۳۴۶ بود.

مشایخی در سال ۹۳ به عنوان سفیر سلامت چشم و بینایی و در سال ۹۴ به عنوان سفیر سلامت از سوی وزارت بهداشت و دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران معرفی و به وی تندیس سلامت اهدا شد.

جمشید مشایخی از سال ۱۳۹۵ با بیماری گوارشی دست و پنجه نرم می‌کرد تا سرانجام پس از تحمل یک دوره این بیماری در ۱۳ فروردین ۱۳۹۸ در سن ۸۴ سالگی در بیمارستان عرفان درگذشت. پیکر وی در ۱۷ فروردین ۱۳۹۸ از مقابل تالار وحدت تشییع و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا، قطعه: ۸۸ ردیف: ۴۰ مکرر شماره: ۴۲ به خاک سپرده شد. در مراسم تشییع پیکر او، هنرمندانی همچون علی نصیریان، ایرج راد و حمیدرضا نوربخش سخنرانی کردند. چهار روز پس از درگذشت جمشید مشایخی و در تاریخ ۱۸ فروردین؛ شورای شهر تهران با تصویب فوریتی نام خیابان «ج» واقع در محل زندگی مشایخی را به نام وی تغییر داد. مراسم رونمایی از سردیس و پلاک خیابان او در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ انجام شد. حسن روحانی در صفحه اینستاگرام خود مرگ او را تسلیت گفت و اعلام کرد امروز یکی از پیشکسوتان بی بدیل را از دست دادیم.



## نورپردازی در سینما

نور طبیعی

نورپردازی کلیدی

HIGH KEY نورپردازی

Low Key نورپردازی

FILL نور پُر کننده

Sidelight نور جانبی

Frontal Lighting نور از جلو

Backlighting نور از پشت سر

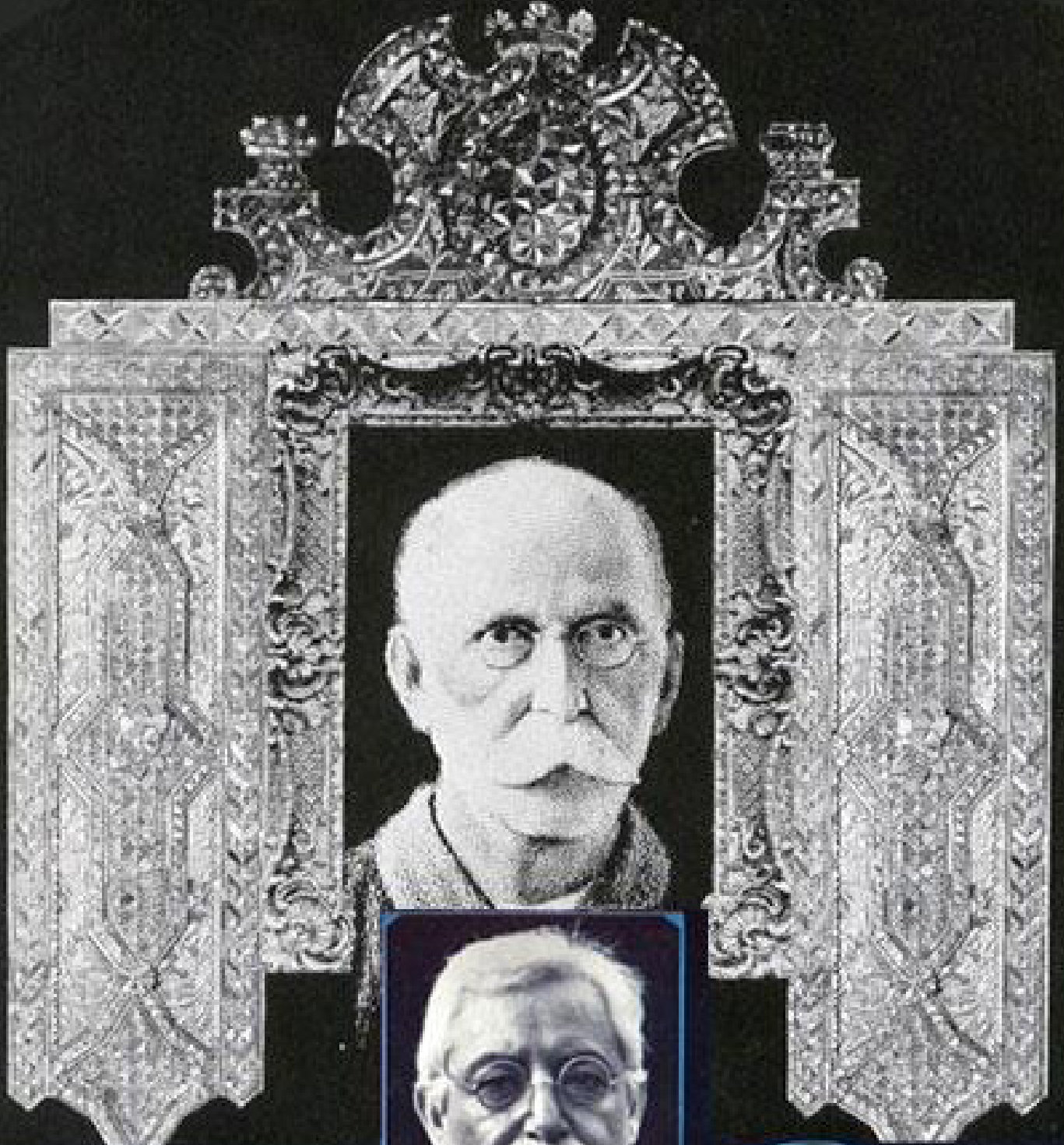
Underlighting نور از پایین

Top Lighting نور از بالا









جیشید مشایخی  
عزت الله انتظامی  
علی نصیریان  
داود رشیدی  
محمد علی کشاورز  
پرویز پورحسینی

# کمال امین

اثری از:  
علی حاتمی

محرر: فرهاد خراسانی  
مطبع: نشر الفیض  
مکان: مشهد مقدس  
تعداد: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال